

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی یزدی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۳۸ - شنبه ۹۱/۹/۲۵

توضیح بیشتر فرمایش محقق نائینی^۱

ایشان در دوران امر بین محذورینی که هر دو توصلی باشند قائل به تخییر عقلی به معنای لاجرح عقلی هستند؛ زیرا چنین مکلفی خالی از فعل و ترک نخواهد بود و در عین حال هر طرف را انجام دهد احتمال موافقت و مخالفت در آن وجود دارد، بنابراین در دوران امر بین محذورین، مکلف قهراً و تکویناً از یکی از دو طرف خالی نخواهد بود. به نظر ایشان تخییر شرعی واقعی^۲ و همچنین اصل حلیت و برائت در ما نحن فیه جاری نخواهد بود؛ به دلیل آنکه با وجود تخییر و لاجرح عقلی، جعل حکم تخییری به هر نحوی لغو خواهد بود.

هنگامی که یک مکلف عملاً نتواند احتیاط کند و خالی از احد الطرفین نباشد «رُفِعَ ما لایعلمون» و اجرای برائت چه اثری می‌تواند داشته باشد؟! یا حدیث حلیت چه تأثیری برای مکلف دارد؟! و حتی اگر شارع بیان کند که مکلف در چنین مواردی شرعاً مخیر است، چه دردی از مکلف را دوا می‌کند؟! چیزی که حاصل است و مکلف از یکی از دو طرف خالی نیست، تحصیل دوباره‌ی آن به نحو اعتبار لغو خواهد بود.

۱. اجود التقریرات، ج ۲، ص ۲۳۱.

۲. در خصوص جعل تخییر شرعی ظاهری، ایشان می‌فرماید: جعل چنین تخییری متفرع بر منجزیت علم اجمالی و عدم امکان موافقت قطعی آن می‌باشد که در چنین حالتی حکم به تخییر می‌شود لعدم الترجیح، در حالی که در ما نحن فیه علم اجمالی منجز نیست پس جایی برای تخییری ظاهری باقی نمی‌ماند و بهتر بود ایشان حتی بنا بر فرض تمامیت این بیان می‌فرمود تخییر شرعی ظاهری نیاز به دلیلی دارد که موجود نیست.

نقد و بررسی فرمایش محقق نائینی (قول سوم)

اگر مقصود محقق نائینی از اینکه اجرای براءت و حلیت ممکن نیست، آن است که بخواهیم با اجرای حلیت اثر علم اجمالی را برداریم، کلامی درست است؛ زیرا فرض آن است که علم اجمالی در ما نحن فیه کارآمد نیست و انسان تکویناً خالی از فعل و ترک نمی‌باشد، بنابراین به کار بردن این اصول و حتی قیام خبر بر تخییر مکلف، هیچ چیز جدیدی را پدید نمی‌آورد؛ مانند اینکه خبری قائم شود که انسان یا باید دارای حرکت باشد یا سکون، آیا اگر این خبر نبود انسان خالی از دو طرف بود؟! امکان ندارد کسی تارک حرکت و سکون هر دو باشد و تکویناً یکی از حرکت و سکون حاصل است و اگر کسی بخواهد با اعتبار، این تخییر را بر مکلف تحمیل کند لغو محض خواهد بود.

اما از آنجا که فرض آن است که در ما نحن فیه این احتمال منتفی نیست که شارع به ما هو شارع بخواهد خصوص طرف وجوب را ترجیح دهد یا خصوص طرف حرمت را ترجیح دهد، کلام محقق نائینی نمی‌تواند تمام باشد.

مثلاً در مثال مذکور این احتمال منتفی نیست که شارع بخواهد هنگام شک، جانب طرف ایجاب یعنی قسم بر انجام سفر را اثبات کند و این احتمال معقول است که این احتمال ترجیح جانب ترک نیز منتفی نیست و کاملاً معقول است. بنابراین می‌توان گفت از آنجا که وجوب بما هو وجوب یا حرمت بما هی حرمت، امری مشکوک است مانعی از اجرای براءت در آنها نیست و مضمول «رُفِعَ ما لایعلمون» می‌شود. آری، اگر بخواهیم در مقابل علم اجمالی و اثری که از آن پیدا می‌شود اعمال براءت کنیم، از آنجا که علم اجمالی در ما نحن فیه فاقد اثر است لامحاله اجرای حلیت و براءت لغو است، اما اگر نسبت به خصوص وجوب بما هو وجوب یا حرمت بما هو حرمت، براءت را جاری کنیم لغویت لازم نمی‌آید.

إن قلت: می‌دانیم یا وجوب محقق است یا حرمت و اگر در هر دو براءت جاری کنیم با علم اجمالی خود مخالفت کرده‌ایم؛ زیرا یکی از دو طرف قطعاً محقق است و با وجود این علم چگونه براءت جاری می‌شود؟

قلت: هر چند با اجرای براءت، مخالفت علمیه با علم اجمالی لازم می‌آید اما مخالفت عملیه‌ی قطعیه لازم نمی‌آید؛ به دلیل آنکه در هر حال، مکلف یکی از طرفین را انجام می‌دهد و خارج از فعل و ترک نیست. و هرگاه از اجرای اصلین تنها مخالفت علمیه حاصل آید نه مخالفت عملیه، مانعی از اجرای اصلین نخواهد بود.

با آنچه ذکر شد معلوم می‌گردد تقریبی که محقق عراقی ذکر فرموده‌اند نیز ناتمام است.

بیان محقق عراقی در تخییر عقلی

ایشان نیز معتقدند در اطراف علم اجمالی دائر بین محذورین نه برائت عقلی جاری است و نه برائت شرعی؛ به دلیل آنکه^۱:

دلیل حلیت و برائت در مواردی جریان دارد که ترخیص در فعل و ترک به ملاک و مناط دیگری موجود نباشد و اگر ترخیص در فعل و ترک به مناط دیگری مانند اضطرار حاصل باشد برائت و حلیت به اعتبار حدیث رفع و قاعده‌ی قبح عقاب بلا بیان جاری نخواهد بود و فرض آن است که در ما نحن فیه به مناط اضطرار، ترخیص در فعل و ترک موجود است؛ زیرا کسی که علم اجمالی دارد که روز سه‌شنبه یا باید سفر برود یا ترک سفر کند، اضطرار به ارتکاب یکی از دو طرف (لا بعینه) دارد و علی الفرض یکی بر دیگری ترجیح ندارد و رفتن و نرفتن سفر تفاوتی ندارد، در این حالت لامحاله مکلف ترخیص در هر یک دارد و با وجود چنین ترخیصی اگر بخواهیم ترخیصی از ناحیه‌ی «رُفَع ما لا یعلمون» یا «کلّ شیء لک حلال» و یا قاعده‌ی «قبح عقاب بلا بیان» داشته باشیم، صحیح نیست؛ زیرا ترخیص عقلی یا شرعی مربوط به جایی است که در مرتبه‌ی سابقه به مناط دیگری ترخیص حاصل نشده باشد و در ما نحن فیه به واسطه‌ی دوران امر بین محذورین، مکلف مضطرّ به انجام یکی از دو طرف است و دارای ترخیص است و نوبت به ترخیص ناشی از اعمال ادله‌ی شرعی یا عقلی برائت نمی‌رسد.

نقد و بررسی فرمایش محقق عراقی رحمته الله

از آنچه بیان کردیم روشن شد همان اشکالی که بر فرمایش محقق نائینی وارد است بر فرمایش محقق عراقی نیز وارد است.

توضیح مطلب: اگر مقصود آن است که با اجرای قاعده‌ی برائت، حلیت و اباحه، بخواهیم اثر علم اجمالی را برداریم این اشکال وارد است؛ زیرا اساساً علم اجمالی در ما نحن فیه فاقد اثر است و نمی‌تواند تنجیز آور باشد و وجودش کالعدم است، نه مانع مخالفت قطعیه است و نه موجب موافقت قطعیه است؛ زیرا هیچ‌کدام امکان ندارد، مخالفت و موافقت احتمالی نیز در هر طرف واقع است و لذا زمینه‌ای برای اجرای برائت حتی برائت عقلی وجود نخواهد داشت؛ زیرا اضطرار به احد الطرفین امکان احتیاط را از

۱. نهاية الافکار، ج ۳، ص ۲۹۲.

مکلف سلب کرده است.

اما اگر به وجوب یا حرمت محتمل در دوران امر بین محذورین نظر شود مصداق یک شبهه خواهد بود و لعل شارع مثلاً در شبهه‌ی تحریمی‌ی دائر بین وجوب و حرمت بخواهد احتیاط را لازم کند (مانند هر شبهه‌ی دیگری) یا وجوب مشکوک را موضوع احتیاط قرار دهد و این احتمال متنفی نیست و به هر حال مکلف در ارتکاب هر مشکوکی باید دارای معذّر باشد و اگر مکلف احتمال بدهد که در اینجا وجوب مقدم است، تا این احتمال دفع نشود مکلف نمی‌تواند ترک کند. بنابراین اجرای برائت نسبت به وجوب بما هو وجوب یا حرمت بما هو حرمت بلامانع است و صرف مخالفت علمیه با علم اجمالی تا وقتی به مخالفت قطعیه‌ی عملیه منجر نشود بلا مانع است و در ما نحن فیه مکلف خالی از یکی از دو طرف فعل یا ترک نیست.

مرحوم نائینی رحمته الله علاوه بر اشکالاتی که بر جریان حدیث رفع و سایر احادیث برائت وارد کرده‌اند نسبت به خصوص حدیث حلّیت نیز اشکالاتی را وارد کرده‌اند و قدری در این زمینه سخن گفته‌اند. اما بر فرض که اشکالات ایشان بر استدلال به این حدیث وارد باشد، دستمان از سایر احادیث خالی نخواهد بود لذا لزومی برای ورود به این بحث وجود نخواهد داشت.

مقرر: سید حامد طاهری